

An Investigation of Postgraduate Students' Attitude toward Self-Employment

(Case study of Campus of Agriculture and Natural
Resources of Razi University in Kermanshah)

Hossein Agahi¹, Fatemeh Ghorbani Pirali-
dehi², Samireh Seymohammadi³

Introduction: Self-employment is the best option to prepare people with higher education to find employment in the labor market in the future. Since attitude affects individuals' behavior, attitude towards self-employment also affects adoption of the self-employment. By strengthening students' attitudes, they will have more employment opportunities in the future and effective steps will be taken towards social development, especially the development and improvement of the social status of young and educated generation.

In case of unfavorable attitude of the students, officials can prepare appropriate curricula to improve students' attitudes. Most of the studies in the higher education system that have examined entrepreneurial and self-employment attitudes of students have used a series

حسین آگاهی^۱، فاطمه قربانی پیرعلیدهی^۲، سمیره صی محمدی^۳

مقدمه: خوداشتغالی بهترین گزینه برای آماده نمودن فراگیران نظام آموزش عالی جهت اشتغال در بازار کار در آینده و برخورد با مشکل بیکاری است. از آنجایی که نگرش روی رفتار فرد اثر دارد، بنابراین نگرش نسبت به خوداشتغالی در خوداشتغال شدن یا نشدن، بسیار مؤثر است. با تقویت نگرش دانشجویان، زمینه‌های اشتغال آنها در آینده فراهم شده و گام‌های مؤثری در راستای توسعه اجتماعی به‌ویژه توسعه و بهبود موقعیت اجتماعی نسل جوان و تحصیلکرده در آینده برداشته می‌شود. در صورت نامطلوب بودن نگرش دانشجویان می‌توان برنامه‌های درسی مناسب را به منظور بهبود نگرش دانشجویان تدوین نمود. اکثر مطالعاتی که در نظام آموزش عالی ایران نگرش‌های کارآفرینانه و خوداشتغالی دانشجویان را بررسی نموده‌اند از یک‌سری مقیاس‌های از پیش تعیین شده استفاده نموده‌اند. این در حالی است که دانشجویان در بافت و

* دکتر ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه

** دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول)

<Fateme_ghorbani1143@yahoo.com>

*** دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه

1. Ph.D in Agricultural Extension and Education

2. Ph.D Student in Agricultural Extension and Education <Fateme_ghorbani1143@yahoo.com>

3. Ph.D Student in Rural Development

of preset scales. However, students live in different contexts with regard to culture, society and the economic. Therefore, there is the possibility that attitudes are different. Thus, the present study aimed at investigating the postgraduate students' attitudes toward self-employment.

Method: The general approach of research was quantitative-qualitative and it was a practical study. Q methodology was used in the qualitative part, but analysis was carried out using SPSS software. In Q methodology, researchers select a sample of individuals who are of particular relevance to the subject or have special ideas. The population in the quantitative part consisted of postgraduate students in Campus of Agriculture and Natural Resources of Razi University in Kermanshah (112 doctoral students and 358 postgraduate students). To determine the sample size, Morgan Table was applied and 212 individuals were randomly selected. Also, in the qualitative part, snow ball sampling was used. Accordingly, some of the postgraduate students were selected as a research sample. After 25 sessions of focus group and person-to-person interviews with 52 postgraduate students theoretical saturation was

جامعه‌های مختلفی از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زندگی می‌کنند و احتمال این‌که نگرش‌های متفاوتی داشته باشند، وجود دارد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی نسبت به خوداشتغالی به انجام رسید.

روش: رویکرد کلی تحقیق کمی-کیفی و به لحاظ هدف کاربردی است. در بخش کیفی از روش‌شناسی کیو استفاده شد اما تحلیل آن با نرم افزار SPSS انجام می‌شود. در مطالعات کیو پژوهشگر، نمونه را از میان افرادی انتخاب می‌کند که ارتباط خاصی با موضوع تحقیق دارند یا دارای عقاید ویژه‌ای هستند. جامعه مورد مطالعه در قسمت کمی شامل دانشجویان تحصیلات تکمیلی در پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی کرمانشاه بودند (۲۱۱ نفر از دانشجویان دکترا و ۸۵۳ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد). برای تعیین حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان تعداد ۲۱۲ نفر به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. همچنین در بخش کیفی از روش گلوله برفی برای نمونه‌گیری استفاده شد. بر این اساس تعدادی از دانشجویان به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. پس از انجام ۵۲ جلسه در قالب گروه‌های بحث متمرکز و مصاحبه‌های انفرادی با ۲۵ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه رازی کرمانشاه، اشیای نظری حاصل شد؛ به این معنی که با انجام مصاحبه‌های بعدی اطلاعات دیگر به اطلاعات قبلی تحقیق افزوده نشد. در ضمن، رابطه بین ویژگی‌های

achieved, meaning that subsequent interviews did not add any new information. In addition, the relationship between individual characteristics and their attitude towards self-employment was assessed using correlation analysis.

Findings: Gender, marital status and education level have an effect on individuals' attitudes toward self-employment. In order to categorize the attitudes of students and to analyze the data, Q exploratory factor analysis was conducted via SPSS.20 software. The analysis of Q methodology showed that students' attitude toward self-employment includes responsible attitude, creative attitude, risk-taking attitude and director-oriented attitude.

Discussion: Personal traits of students influence the creation and formation of critical and abstract concept of attitude towards self-employment which can even affect their future. Attractiveness and pleasure of being self-employed, puts financial independence resulted from the self-employment activities, taking the risk of doing new things, creativity and the fact that anyone's destiny is under his control in separate categories.

Keywords: Attitude, entrepreneurship, postgraduate students, self-employment

فردی افراد مورد مطالعه با نگرش آنها نسبت به خوداشتغالی با استفاده از تحلیل همبستگی بررسی شد.

یافته‌ها: جنسیت، وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی روی نگرش افراد نسبت به خوداشتغالی مؤثر است. به منظور دسته‌بندی نگرش‌های دانشجویان و تحلیل داده‌های تحقیق از تحلیل عاملی اکتشافی نوع کیو با استفاده از نرم‌افزار SPSS.20 استفاده شد. تحلیل روش‌شناسی کیو نیز نشان داد که نگرش دانشجویان نسبت به خوداشتغالی شامل نگرش مسئولیت‌پذیر، نگرش خلاق، نگرش ریسک‌پذیر و نگرش مدیرگرا می‌باشد.

بحث: ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان در ایجاد و شکل‌گیری مفهوم انتزاعی و بسیار مهم نگرش نسبت به خوداشتغالی مؤثر است و حتی می‌تواند آینده آنها را تحت تأثیر این مفهوم ذهنی قرار دهد. جذاب و لذت‌بخش بودن خوداشتغالی، استقلال مالی حاصل از انجام فعالیتهای خوداشتغالی، ریسک‌پذیر بودن در انجام کارهای جدید، خلاقیت و این که سرنوشت هر فردی به‌دست خود اوست. افراد را در دسته‌های جداگانه‌ای قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: خوداشتغالی، دانشجویان تحصیلات

تکمیلی، کارآفرینی، نگرش

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۵

مقدمه

چالش اشتغال یا موضوع کار و بیکاری یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی روز کشور و جهان به شمار می‌آید. بر اساس آمار موجود سالانه ۲۷۰ هزار دانش‌آموخته دانشگاهی وارد بازار کار می‌شوند، اما ظرفیت بازار جوابگوی این تعداد نیست (عزیزی و حسینی، ۱۳۸۵). گزارشها و آمار موجود حاکی از آن است که دانش‌آموختگان کشاورزی پس از فارغ‌التحصیلی با چالشهای زیادی روبرو بوده و عملاً نمی‌توانند وارد بازار کار شوند. بهترین گزینه برای آماده نمودن فراگیران نظام آموزش عالی جهت اشتغال در بازار کار، خوداشتغالی و آموزش کارآفرینی است. بنابراین در چنین شرایطی آموزش عالی باید رویکردی اتخاذ کند که ضمن ارائه دانش جدید، کارآفرینی و خوداشتغالی را نیز در دانشجویان نهادینه کند (حسینی و همکاران، ۱۳۸۹). خوداشتغالی به لحاظ انعطاف‌پذیری ساعات کار و استقلال در شرایط کار، طی سالهای اخیر از استقبال شایان توجهی برخوردار بوده است (قوامی، ۱۳۸۲).

خوداشتغالی، کار برای خود می‌باشد؛ از این رو خوداشتغالی نوعی اشتغال در بخش غیرمزدبگیری است که فرد شاغل با اتکاء به توان شخصی، ابتکار و خلاقیت خود، به کارهای تولیدی و خدمات فنی و حرفه‌ای و در نتیجه کسب درآمد می‌پردازد. از ویژگیها و امتیازهای این بخش از اشتغال آن است که فرد را به تدریج آماده کسب تواناییهای لازم برای ورود به بازارهای بزرگ‌تر و گسترده‌تر می‌کند. اما شناخت و واکاوی نگرش دانشجویان نسبت به خوداشتغالی امری ضروری است، چرا که شناخت نگرش دانشجویان به‌ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی که از نظر علمی به حد مناسبی

دست یافته‌اند، مهم و اجتناب‌ناپذیر است. این شناخت از یک سو مسئولین را با نگرش واقعی دانشجویان آشنا می‌کند و از سویی دیگر به مسئولان برنامه‌ریزی درسی و آموزشی در تدوین اهداف و برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت آموزشی کمک می‌کند. همچنین با تقویت نگرش دانشجویان زمینه‌های اشتغال آنها در آینده فراهم شده و گامهای مؤثری در راستای توسعه اجتماعی به‌ویژه توسعه و بهبود موقعیت اجتماعی نسل جوان و تحصیل کرده در آینده برداشته می‌شود. در صورت نامطلوب بودن نگرش دانشجویان می‌توان برنامه‌های درسی مناسب را به منظور بهبود نگرش دانشجویان تدوین کرد.

از آنجایی که نگرش روی رفتار فرد اثر دارد (آجزن، ۱۹۹۱)، بنابراین نگرش نسبت به خوداشتغالی بر قصد خوداشتغالی و رفتار فرد مؤثر است. شناخت افراد به‌ویژه جوانان نسبت به خوداشتغالی بسیار اهمیت دارد (مک‌استی، ۲۰۰۸). نگرش عبارت است از یک نوع حالت آمادگی ذهنی و اعصابی که به‌وسیله تجربه سازمان‌دهی می‌شود و تأثیری مستقیم و پویا بر عکس‌العملهای فرد نسبت به تمامی پدیده‌ها و وضعیتهایی که با او سرو کار دارد، می‌گذارد (شفیعی و همکاران، ۱۳۸۷). به‌طوری که انسانها را آماده بروز واکنشهای رفتاری خاص می‌کند؛ بنابراین اگر فردی نسبت به موضوع خاصی نگرش مثبت داشته باشد، آمادگی دارد تا به آن کمک کند، پاداش دهد یا پشتیبانی به عمل آورد و به‌عکس اگر نسبت به موضوع خاصی نگرش منفی داشته باشد آمادگی دارد تا به آن زیان وارد آورد (حلاج و همکاران، ۱۳۹۳). در نتیجه تحقیق حاضر با هدف بررسی نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی نسبت به خوداشتغالی، بررسی ارتباط بین برخی از ویژگیهای فردی مانند جنسیت، وضعیت تأهل و مقطع تحصیلی با نگرش نسبت به خوداشتغالی و شناسایی و طبقه‌بندی نگرش

دانشجویان تحصیلات تکمیلی نسبت به خوداشتغالی به انجام رسید.

چارچوب نظری

مهم‌ترین رسالت آموزش عالی در رابطه با اشتغال باید توجه به مسئله کارآفرینی و خوداشتغالی در آموزش باشد (موحدی و چرختابیان، ۱۳۹۲)، بنابراین خوداشتغالی یا کار برای خود به‌ویژه برای جامعه ایران راهی برای گریز از چرخه بیکاری است. واژه کارآفرینی در واپسین سالهای سده بیست مورد توجه گروههای آموزشی کشورهای جهان قرار گرفت (استادزاده، ۱۳۸۲). کلمه کارآفرینی از لغتی فرانسوی گرفته شده که به معنی به‌راه‌انداختن، آغازکردن یا به عهده‌گرفتن و تعهدکردن است. فرهنگ لغت «وبستر» کارآفرین را کسی می‌داند که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند (میرزاحمدی و همکاران ۱۳۸۷).

احمد پورداریانی (۱۳۸۱) کارآفرین را کسی با ایده نو می‌داند که با پایه‌گذاری کسب و کاری نو و پذیرش مخاطرات، فرآورده یا خدمتی نو برای جامعه می‌آورد و پیونددهنده دانش و علم با صنعت و بازار است. «ریچارد کانتیلون» اولین کسی بود که در سال ۱۷۵۵ نقش حیاتی کارآفرینان را در توسعه اقتصادی تشخیص داد. وی خوداشتغالی یا کارکردن برای خود به هر شکل ممکن را کارآفرینی می‌داند. در رابطه با کارآفرینی دو سؤال اساسی که وجود دارد این است که ۱) چه متغیرهایی بر کارآفرینی اثر می‌گذارد؟ و ۲) آیا می‌توان کارآفرینی را آموزش داد؟ در پژوهشی که در رابطه با متغیرهای تأثیرگذار بر کارآفرینی انجام شد، نگرشها بهترین ابزار پیش‌بینی کارآفرینان دانسته شده و نشان داده شده است که کارآفرینان بسیاری فعالیت خود را بی هیچ سرمایه و تجربه و حتی پیش‌آگاهی

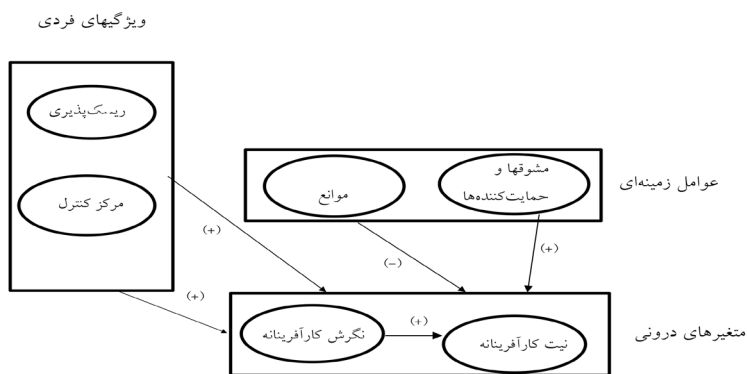
درباره موضوع مورد نظر آغاز کرده‌اند و تنها با داشتن نگرشهایی ویژه در این زمینه توانسته‌اند کارآفرینان موفق باشند. بنابراین یکی از مفاهیمی که همواره در روان‌شناسی اجتماعی مورد بحث صاحب‌نظران بوده، نگرش است؛ این که دیدگاه ما به اشیاء، افراد یا عقاید گوناگون چگونه است؟ منظور از نگرشهای کارآفرینانه حالتی است که بر پایه آن، فرد گرایش به بروز رفتار کارآفرینانه در یک کسب و کار مستقل یا سازمانی را نشان می‌دهد. در واقع ایجاد نگرش نسبت به خوداشتغالی در دانشجویان شرط لازم برای بروز رفتار کارآفرینانه از سوی آنان می‌باشد و هر اندازه افراد نگرش مثبت‌تری نسبت به فعالیت‌های کارآفرینانه و خوداشتغالی داشته باشند. بدون تردید کارآفرینی را به‌عنوان امری شدنی و امکان‌پذیر درک کرده و احتمال موفقیت آنان بیشتر می‌شود (کار و سکویرا ، ۲۰۰۷). کروگر و همکاران (۲۰۰۰) نیز بر این باورند که اراده و نیت کارآفرینانه نقش بسزایی در بروز رفتارهای کارآفرینانه دارد. همچنین اعتقاد بر این است که نگرشها آموخته می‌شود و از آن‌جا که بر پایه آموزه‌های در خانواده، محیط اجتماعی و محل کار پدید آمده است، می‌توان با آموزش و یادگیری آنها را دگرگون ساخت. بر این اساس، میزان و نوع نگرش افراد به کارآفرینی می‌تواند بر سطح فعالیت آنان در این زمینه تأثیر گذارد (راینسون و همکاران، ۱۹۹۱). اما در خصوص نگرش و بررسی محققان مختلف در رابطه با ارتباط نگرش و بروز رفتار کارآفرینانه تحقیقاتی صورت گرفته است که به برخی از آنها در ادامه اشاره می‌شود.

نگرش نظامی بادوام است که شامل عنصر شناخت، عنصر احساسی و تمایل به عمل است. مؤلفه عاطفی شامل هیجانان و عاطفه فرد نسبت به موضوع خصوصاً ارزیابیهای مثبت و منفی است. مؤلفه رفتاری چگونگی تمایل به

عمل فرد در راستای موضوع را شامل می‌گردد. مؤلفه شناختی شامل افکاری است که فرد در مورد آن موضوع نگرش خاص دارد شامل: حقایق، دانش و عقاید (تایلر و همکاران، ۲۰۰۳). این سه عنصر تحت عنوان مدل سه مؤلفه‌ای نگرش معرفی شده‌اند. در الگوی سه مؤلفه‌ای نگرش فرض بر این است که نگرشها ترکیبی از سه سبک مشخص تجربه و واکنش نسبت به یک امر می‌باشند: عاطفی، شناختی و رفتاری. برای مثال، طرفداران حفظ محیط زیست معتقدند که آلودگی هوا باعث از بین رفتن لایه اوزون می‌شود که خطر ابتلا به سرطان را افزایش می‌دهد (شناختی)، آنها ممکن است به خاطر انقراض گیاهان و جانوران ناراحت و غمگین شوند (عاطفی) و بر این اساس آنها از وسیله نقلیه عمومی به جای خودروی شخصی استفاده و در فرآیند بازیافت شرکت خواهند کرد (رفتاری) (بهنر و وانگ، ۱۳۸۴).

کریستین لوج و نیکولاس فرانک مدلی را برای آزمودن نیت و قصد کارآفرینی در میان دانشجویان رشته مهندسی دانشگاه MIT ارائه داده‌اند که حاصل تحقیق در بین ۵۱۲ نفر از دانشجویان رشته مهندسی دانشگاه MIT است. بر اساس این مدل، ویژگیهای فردی همچون ریسک‌پذیری و مرکز کنترل درونی به‌طور غیرمستقیم بر نگرش دانشجویان نسبت به کارآفرینی تأثیر مثبت می‌گذارد و نگرش نیز دارای تأثیر مستقیم و مثبت بر قصد کارآفرینی افراد است (شکل ۱) (امیری و مرادی، ۱۳۸۷).

شکل (۱) مدل ساختاری قصد کارآفرینانه



آجزن (۱۹۸۵) نیز از جمله افرادی است که ارتباط نگرش و بروز رفتار کارآفرینانه را مورد بررسی قرار داده و در قالب مدل خود آن را ارائه کرده است. براساس مدل او، نگرش، هنجار ذهنی و کنترل رفتار درک شده بر قصد و بروز رفتار مؤثر است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بروز رفتار خوداشتغالی نیز براساس مدل وی تحت تأثیر نگرش فرد خواهد بود. تحقیق حاضر نیز به دنبال همین مسئله است که از آن‌جا که نگرش هر فردی در بروز رفتار کارآفرینانه (خوداشتغالی) مؤثر است، بنابراین اگر قرار باشد نگرش افراد دسته‌بندی شود، چند نوع نگرش در بروز رفتار کارآفرینانه خواهیم داشت.

پیشینه تجربی

تحقیقات مختلفی در جهان و ایران خوداشتغالی و به تبع آن کارآفرینی (که با یکدیگر هم راستا هستند) را بررسی نموده‌اند. به‌عنوان نمونه رابینسون و همکاران (۱۹۹۱) در مطالعات خویش توفیق‌طلبی، اعتماد به نفس، استقلال‌طلبی و خلاقیت را به‌عنوان نگرش‌های کارآفرینانه شناسایی نمودند. در مطالعه‌ای که به بررسی خوداشتغالی در کشورهای توسعه یافته پرداخت، نتایج نشان داد سن، مرد بودن و میزان تحصیلات رابطه مثبتی با خوداشتغالی دارد (بلنچفلور، ۲۰۰۰). مطالعه هیوگز^۲ (۲۰۰۶) نیز نشان داد که زنان به خاطر نیاز و احتیاج، گرایش به خوداشتغالی نشان می‌دهند. همچنین انعطاف‌پذیر بودن خوداشتغالی به زنان اجازه می‌دهد که بین کار و کار منزل تعادل ایجاد کنند.

گرول و اتسان^۳ (۲۰۰۶) در پژوهش خود عنوان کرده‌اند دانشجویانی که دارای نگرش کارآفرینانه هستند، در ویژگی‌هایی همچون انگیزه پیشرفت، کانون کنترل درونی، خلاقیت و نوآوری، اعتماد به نفس، تحمل ابهام و گرایش به خطرپذیری بهتر از دانشجویانی بودند که گرایش کارآفرینانه نداشتند. نتایج مطالعه گرول و همکاران (۲۰۱۰) در بررسی روحیه کارآفرینی دانشجویان و دانش‌آموزان ترکیه و انگلستان نشان داد که نهاد خانواده بیشتر از سایر متغیرها بر روحیه و گرایش به کارآفرینی مؤثر است. بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد فارغ‌التحصیلاتی که والدین آنها شغل تجاری دارند، آمادگی بیشتری برای شروع فعالیتهای کارآفرینانه دارند. در حالی که از طرفی کالیندو و همکاران^۴ (۲۰۱۱) اثر ویژگی‌های فردی را در تصمیم به خود اشتغالی در آلمان بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که

1. Blanchflower
3. Gurol and Atsan

2. Hughes
4. Caliendo

گرایش تحصیلی، یکی از مهم‌ترین ویژگیهای فردی است که نقش مهمی در خوداشتغالی ایفا می‌کند.

یافته‌های مطالعه قوامی (۱۳۸۲) نشان داد خوداشتغالی در بین روستانشینان بیشتر از شهرنشینان است و با افزایش درآمد و سن، بعد خانوار و خوداشتغالی افزایش می‌یابد اما افرادی که سطح تحصیلات پایین‌تری دارند و متأهل هستند خوداشتغالی بالاتری دارند. هزارجریبی (۱۳۸۲) در تحقیق خود به رابطه بین کارآفرینی و آموزش دوره‌های انگیزه پیشرفت، خلاقیت، ریسک‌پذیری و استقلال‌طلبی اشاره کرده است. بدری و همکاران (۱۳۸۵) به این نتیجه رسیدند که قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان در زمینه استقلال‌طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین و نمرات ریسک‌پذیری از متوسط نمره معیار پایین‌تر است. همچنین آموزش‌های دانشگاهی در پرورش ویژگیهای کارآفرینی در دانشجویان مؤثر نبوده است. در تحقیق صالحی عمران و رستمی (۱۳۸۶) نتایج آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه عملکرد برنامه‌های آموزشی در دانشکده‌های مختلف دانشگاه مازندران نشان داد که هیچ کدام از دانشکده‌ها عملکرد بهتر یا بدتری نسبت به سایر دانشکده‌ها در پرورش روحیه کارآفرینی نداشته است. همچنین بین جنسیت و روحیه کارآفرینی رابطه معناداری وجود ندارد.

در مطالعه علی بیگی و زرافشانی (۱۳۸۶) نزدیک به نیمی از دانشجویان دانشگاه رازی از نظر میزان روحیه خودکارآمدی در سطح پایین قرار دارند. روحیه کارآفرینی دانشجویان در زمینه‌های استقلال‌طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین و در زمینه ریسک‌پذیری پایین‌تر از حد میانگین است. تفاوتی بین میزان استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری و خلاقیت دانشجویان سال

اول و آخر وجود ندارد ولی میزان کنترل درونی و انگیزه پیشرفت دانشجویان سال آخر از دانشجویان سال اول کمتر است. دانشجویان پسر نیز نسبت به دختر استقلال طلب تر و ریسک پذیرتر هستند. دانشجویان دانشکده های مختلف دانشگاه نیز از نظر میزان روحیه کارآفرینی اختلاف معنی داری با هم ندارند. بین روحیه کارآمدی و روحیه کارآفرینی هم رابطه مثبت و معنی داری حاکم است. نتایج مطالعه غفاری (۱۳۸۷) در زمینه قابلیت های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه پیام نور اراک نشان داد که قابلیت های کارآفرینی دانشجویان در زمینه استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین و نمره ریسک پذیری آنان از میانگین پایین تر بوده و آموزش های دانشگاهی در پرورش قابلیت های کارآفرینی در دانشجویان مؤثر نبوده است.

یاری (۱۳۸۸) در مطالعه خود دریافت که مدیران از انگیزه پیشرفت بالاتری نسبت به دانشجویان برخوردارند، اما ریسک پذیری دانشجویان از مدیران صنایع بالاتر است. همچنین بین ویژگی های کارآفرینی دانشجویان با جنسیت، محل تولد و سطح تحصیلات والدین رابطه معناداری وجود نداشت. در تحقیق حسین پور رضایی (۱۳۸۹) یافته ها نشان داد بین متغیرهای مهارت کارآفرینی، انگیزه های درونی و بیرونی دانشجویان، برداشت ذهنی از جذاب بودن کارآفرینی، خودکارآمدی، انتظار، خلاقیت و هنجار اجتماعی با گرایش دانشجویان به کارآفرینی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. در مطالعه موحدی و چرختاییان (۱۳۹۲) نیز نتایج نشان داد که پنج زمینه توانایی طراحی برنامه های آموزش و ترویجی، توانایی تهیه رسانه های آموزشی و ترویجی، توانایی در فناوری های آموزشی و اطلاعات، توانایی در تدریس و توانایی در امکان سنجی و راه اندازی کسب و کار، از مهم ترین زمینه های خوداشتغالی و اشتغال زایی رشته ترویج و آموزش کشاورزی به حساب می آیند.

حلاج و همکاران (۱۳۹۳) به نقل از ریردان^۱ برای مقایسه خوداشتغالی تمام وقت غیرکشاورزی، از اطلاعات سرشماری ده ساله (از سال ۱۹۹۰ برای ایالات متحده و از سال ۱۹۹۱ برای کانادا) استفاده کردند. آنها دریافتند در هر دو کشور اشخاصی که خوداشتغال شده‌اند (مسنها و بیشتر از جنس مردان)، تحصیل کرده‌های عالی هستند. در پژوهش موحدی و همکاران (۱۳۹۳) نتایج نشان داد که نگرش دانشجویان نسبت به خوداشتغالی در بخش کشاورزی در حد متوسط به بالا بود. همچنین بین ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان و علاقه به فعالیت در بخش کشاورزی با نگرش آنان نسبت به خوداشتغالی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت. هفت متغیر توانایی خوداشتغالی، تحمل ابهام، توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی، علاقه به فعالیت در بخش کشاورزی، خوداتکایی یا کنترل درونی و نوآوری و خلاقیت توانستند در مجموع ۳/۴۳٪ از واریانس نگرش دانشجویان نسبت به خوداشتغالی را تبیین کنند. کریمی (۱۳۹۴) در مطالعه خود نشان داد محیط نهادی به طور غیرمستقیم و از طریق نگرش کارآفرینی و کنترل رفتار درک شده با قصد کارآفرینانه در ارتباط است. این یافته‌ها بیانگر آن است که سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان باید بیش از پیش به ایجاد شرایط مناسب برای کارآفرینی در کشور توجه کنند.

مروری بر پیشینه تجربی حاکی از آن است که اکثر تحقیقات به دنبال بررسی عوامل و زمینه‌های مؤثر بر نگرش یا روحیه کارآفرینی بوده و مطالعات کمی به‌دسته‌بندی نگرش‌های افراد راجع به موضوع خاصی پرداخته‌اند. این در حالی است که دانشجویان در بافت و جامعه‌های مختلفی از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زندگی می‌کنند و احتمال این‌که نگرش‌های متفاوتی داشته باشند، وجود دارد. لذا هرگاه پژوهشی به دنبال شناسایی ادراکات و عقاید افراد و دسته

1. Reardon

بندی آنها بر اساس این نگرشها باشد، آنگاه ابزارهای تعریف شده و استانداردها و پیمایشها قادر به بیان تفاوتها و درک عمیق موضوع نیستند و روش‌شناسی کیو روش مناسبی برای پوشش این خلأ می‌باشد. روش کیو بیشتر مطالعه‌ای اکتشافی است تا تأییدی و نتایج حاصل از آن راه را برای تحقیق و بررسی بیشتر می‌گشاید (دونر، ۲۰۰۱).

روش

۱) نوع پژوهش: این پژوهش از لحاظ پارادایم تلفیقی (کمی - کیفی) و از لحاظ هدف کاربردی است که با استفاده از روش‌شناسی کیو^۲ در قالب یک پژوهش میدانی انجام شد. استیفنسون معتقد است که تحلیل عاملی R براساس ماتریسی از اندازه‌های عینی^۳ صورت می‌گیرد اما تحلیل عاملی کیو براساس ماتریسی از داده‌های ذهنی^۴ انجام می‌شود. بنابراین زمانی که نگرش به‌عنوان یک عامل ذهنی مورد سنجش قرار می‌گیرد، بهتر است از تحلیل عاملی کیو استفاده بشود تا به داده‌های درست‌تری دست یابیم. معمولاً روش کیو را پیوند بین روشهای کمی و کیفی می‌دانند، زیرا از یک سو انتخاب مشارکت‌کنندگان از طریق روشهای نمونه‌گیری احتمالی صورت نمی‌گیرد بلکه افراد معمولاً به‌طور هدفمند و با اندازه‌ای کوچک انتخاب می‌شوند که آن را به روش کیفی نزدیک می‌سازد و از سوی دیگر، یافته‌ها از طریق تحلیل عاملی و به‌صورتی کاملاً کمی به‌دست می‌آیند. همچنین با توجه به شیوه گردآوری داده‌ها (مرتب‌سازی)، عمیق‌تر می‌توان از ذهنیت مشارکت‌کنندگان آگاه شد (خوشگویان‌فرد، ۱۳۸۸).

روش‌شناسی کیو از پنج مرحله تشکیل شده است. در مرحله اول پس از

1. Donner

2. Q methodology

3. objective measures

4. subjective datas

مشخص شدن موضوع تحقیق، محقق جامعه مورد نظر و متناسب با موضوع تحقیق را مشخص می‌نماید. در مطالعات کیو، پژوهشگر نمونه را از میان افرادی انتخاب می‌کند که ارتباط خاصی با موضوع تحقیق دارند یا دارای عقاید ویژه‌ای هستند (خوشگویان‌فرد، ۱۳۸۸). سپس، در مرحله دوم پژوهشگر اقدام به جمع‌آوری عباراتی در خصوص موضوع مورد مطالعه از دیدگاه افراد عضو فضای گفتمان می‌کند. در مرحله سوم پژوهشگر از بین تعداد زیادی از عبارات که در مرحله قبل به دست آمده است، تعداد محدودی عبارت انتخاب می‌نماید. در مرحله چهارم، پژوهشگر عبارات را براساس یک مقیاس مشخص (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) از دیدگاه شرکت‌کنندگان در فضای گفتمان رتبه‌بندی و دسته‌بندی می‌کند. در مرحله پنجم، محقق باید به توصیف و تفسیر دیدگاه‌های افراد (دسته‌های حاصل از مرحله چهارم) در رابطه با موضوع پژوهش پردازد (بری و پروپز، ۱۹۹۹).

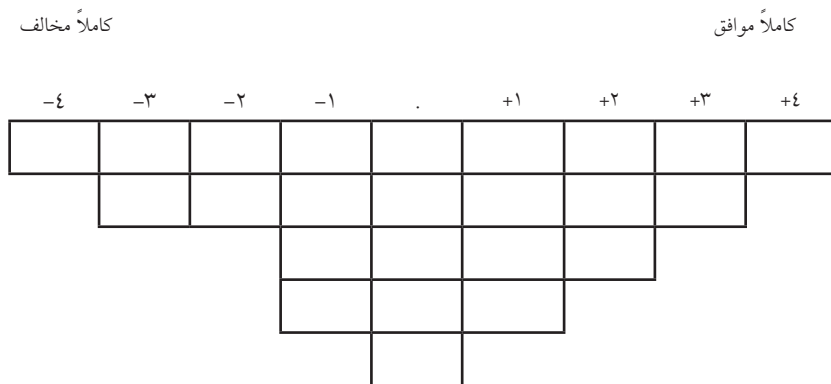
۲) جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه مورد مطالعه در قسمت کمی شامل دانشجویان تحصیلات تکمیلی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی کرمانشاه می‌باشند (۱۱۲ نفر از دانشجویان دکترا و ۳۵۸ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد). برای تعیین حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان تعداد ۲۱۲ نفر به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. در این مطالعه در بخش کیفی با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، تعدادی از دانشجویان به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. پس از انجام ۲۵ جلسه در قالب گروه‌های بحث متمرکز و مصاحبه‌های انفرادی با ۵۲ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه رازی کرمانشاه به اشباع تئوریک رسیدیم، به این معنی که با انجام

مصاحبه‌های بعدی اطلاعاتی دیگر به اطلاعات قبلی ما افزوده نمی‌شد.

۳) ابزار تحقیق و تحلیل داده‌ها: پس از انجام تحلیل محتوا در رابطه با اطلاعات به‌دست آمده از انجام مصاحبه با دانشجویان شرکت‌کننده در فضای گفتمان، ۳۰ عبارت استخراج شد که در مرحله بعدی با همکاری تیم تحقیق و افراد شرکت‌کننده در فضای گفتمان، این عبارات به ۲۵ عبارت به‌گونه‌ای که نماینده تمام دیدگاه‌های دانشجویان در رابطه با موضوع تحقیق بودند، کاهش یافتند. به‌منظور بررسی روایی عبارات کیو، ۲۵ عبارات استخراج شده در اختیار صاحب‌نظران و متخصصان حوزه کارآفرینی و اساتید گروه ترویج و توسعه روستایی دانشگاه رازی کرمانشاه قرار گرفت و از آنان تقاضا شد که با مطالعه عبارات، به بررسی این نکته بپردازند که آیا عبارات مورد نظر به خوبی نگرش‌های دانشجویان نسبت به خوداشتغالی را می‌سنجند یا خیر. در این راستا، پس از انجام اصلاحات مورد نظر آنها، روایی عبارات کیو حاصل از بخش کیفی روش‌شناسی کیو به‌منظور شناسایی نگرش‌های دانشجویان تأیید شد. همچنین، به‌منظور بررسی پایایی ابزار جمع‌آوری داده‌ها، به صورت تصادفی دو هفته پس از جاگذاری کارتها در نمودار کیو، مجدداً از ۳۰ نفر از دانشجویان شرکت‌کننده در تحقیق خواسته شد که این کار را تکرار کنند و با بررسی همبستگی بین جواب‌های این ۳۰ دانشجو در دو مرحله مشخص شد که ابزار تحقیق از پایایی خوبی برای انجام تحقیق برخوردار بود. پس از تنظیم عبارات کیو بر روی کارت به‌منظور تکمیل نمودار کیو (شکل ۲) اقدام به انجام مصاحبه‌های انفرادی و رودررو با مشارکت‌کنندگان در فضای گفتمان تحقیق شد. در طی این مصاحبه‌ها از دانشجویان خواسته شد که ۲۵ عبارت کیو را بر روی طیفی از ۴+ (کاملاً موافقم) تا ۴- (کاملاً مخالفم) و روی نمودار کیو مرتب کنند.

در این تحقیق، توزیع کارتها به صورت اجباری انجام شد؛ به این معنی که شکل و توزیع کارتها از قبل مشخص شده بود و دانشجویان را ملزم می نمود تا مشخص کنند که هر یک از عبارات کیو (متغیرهای معرف نگرشهای دانشجویان نسبت به خوداشتغالی) طبق طیف (کاملاً موافقم یا کاملاً مخالفم) تا چه حد در مورد آنها صدق می کند. بنابراین، دانشجویان ناگزیر بودند که تک تک عبارات را به دقت مطالعه کرده و با مقایسه تمام عبارات با یکدیگر، عبارتی که نسبت به سایر عبارات بیشتر با آن موافق بودند را در جایگاه +۴ و عبارتی که نسبت به سایر عبارات بیشترین مخالفت با آن داشتند را در جایگاه -۴ قرار دهند. در نهایت، با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۰ داده های حاصل از بخش کمی روش شناسی کیو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در مجموع روش تجزیه و تحلیل داده های تحقیق در روش کیو از طریق تحلیل عاملی نوع Q و تفسیر عاملهای استخراج شده با استفاده از نرم افزار SPSS است. همچنین رابطه بین ویژگیهای فردی افراد مورد مطالعه با نگرش آنها نسبت به خود اشتغالی با استفاده از تحلیل همبستگی بررسی شد.

شکل (۲) نمودار کیو



یافته‌ها

براساس یافته‌های به‌دست آمده میانگین سنی نمونه مورد مطالعه ۲۴/۶۸ سال بود که جوان‌ترین آنها ۲۱ سال و مسن‌ترین آنها ۳۸ سال سن داشت. اکثریت دانشجویان مورد مطالعه دختر (۵۸/۵٪) و مجرد (۶۴/۲٪) بودند. به منظور بررسی رابطه بین نگرش نسبت به خوداشتغالی و جنسیت از آزمون کای اسکور استفاده شد که براساس مقدار آن، بین دانشجویان دختر و پسر از نظر نگرش نسبت به خوداشتغالی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($X^2=98/000$ و $N=212$ و $p<0/001$). همچنین ضریب همبستگی کرامر نشان‌دهنده آن است که شدت رابطه دو متغیر ۰/۹۳ است، بنابراین، بر اساس شاخص کوهن (۱۹۸۸)، اندازه اثر در این آزمون بزرگ است. به عبارتی جنسیت بر نگرش نسبت به خوداشتغالی اثر زیادی گذاشته است. همچنین نتایج نشان داد که بر اساس مقدار کای اسکور بین دانشجویان مجرد و متأهل از نظر نگرش نسبت به خوداشتغالی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($X^2=93/000$ ، $p<0/001$). ضریب همبستگی کرامر نشان‌دهنده آن است که شدت پیوند دو متغیر ۰/۹۸ است، بنابراین، براساس شاخص کوهن (۱۹۸۸)، اندازه اثر در این آزمون بزرگ است. به عبارتی وضعیت تأهل بر نگرش نسبت به خوداشتغالی اثر زیادی گذاشته است. بین نگرش دانشجویان نسبت به خود اشتغالی برحسب مقطع تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($X^2=73/796$ ، $p<0/001$). همچنین ضریب همبستگی کرامر نشان‌دهنده آن است که شدت پیوند دو متغیر ۰/۸۶ است، بنابراین، براساس شاخص کوهن (۱۹۸۸)، اندازه اثر در این آزمون بزرگ است. به عبارتی مقطع تحصیلی بر نگرش نسبت به خوداشتغالی اثر زیادی

گذاشته است.

به منظور طبقه‌بندی نگرش‌های دانشجویان مورد مطالعه از تحلیل عاملی اکتشافی نوع کیو به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده شد. نتایج ارائه شده در جدول (۱) نشان می‌دهد که نگرش‌های دانشجویان مورد مطالعه در ۴ عامل با مقدار ویژه بالاتر از یک قابل طبقه‌بندی است. همان‌طوری که مشاهده می‌شود عامل اول با مقدار ویژه ۹/۹۰۸ بیش‌ترین سهم در تبیین واریانس کل نگرش دانشجویان به خوداشتغالی و عامل آخر با مقدار ویژه ۳/۹۲ کم‌ترین سهم دارد. در مجموع، براساس نتایج مشاهده می‌شود که ۴ عامل (نگرش) شناسایی شده حدود ۶۸/۳٪ از واریانس کل نگرش‌های مورد مطالعه در مورد خوداشتغالی را تبیین می‌کنند.

جدول (۱) تعداد عامل‌های استخراج شده و سهم هر یک از آنها

شماره عامل	مقدار ویژه	از واریانس٪	تجمعی از واریانس٪
۱	۹/۹۰۸	۲۹/۶۳	۲۹/۶۳
۲	۶/۲۶	۱۹/۰۷	۴۸/۷
۳	۴/۲۳	۱۱/۹۴	۶۰/۶۴
۴	۳/۹۲	۷/۶۹	۶۸/۳۳

چهار نگرش دانشجویان مورد مطالعه در مورد خوداشتغالی که در نتیجه انجام تحلیل عاملی اکتشافی نوع کیو با نمونه‌های کیو به دست آمد عبارتند از:

۱- عامل اول: نگرش مسئولیت‌پذیر

ذهنیت یا نگرش این طبقه از دانشجویان بدین ترتیب است که آنها با مواردی مانند «به نظر من خوداشتغالی لذت‌بخش و جذاب است»، «خوداشتغالی باعث استقلال مالی می‌شود»، «دانش‌آموختگان کشاورزی باید بتوانند مسئولیت

ایجاد شغل جدید و انجام خوداشتغالی را به عهده بگیرند»، «در خوداشتغالی فرد مسئولیت کارهای انجام داده را بهتر خواهد پذیرفت»، «در صورت داشتن تجهیزات و سرمایه مالی لازم دوست دارم که خوداشتغالی داشته باشم»، «تنبلی و ناتوانی و مسائلی از این دست مانع خوداشتغالی می شوند» و «داشتن پشتکار در موفقیت خوداشتغالی بسیار مهم است» بیشترین موافقت دارند.

۲- عامل دوم: نگرش خلاق

ذهنیت یا نگرش این طبقه از دانشجویان بدین ترتیب است که آنها با مواردی مانند «از انجام کارهای جدید لذت می برم»، «خوداشتغالی باعث بروز خلاقیتها می شود»، «خوداشتغالی را دوست دارم چون نیاز به تفکر بیشتر و خلاقانه تر دارد»، «به خوداشتغالی به عنوان یک شغل مهم و اثرگذار نگاه می کنم»، «در کشور زمینه های خوداشتغالی وجود دارد بنابراین خوداشتغالی باید از سوی دانش آموختگان پذیرفته شود»، «من به خوداشتغالی و کارآفرینی در شرایط فعلی باور دارم» و «در رشته کشاورزی بهتر می توان به خوداشتغالی پرداخت» بیشترین موافقت دارند.

۳- عامل سوم: نگرش ریسک پذیر

ذهنیت یا نگرش این طبقه از دانشجویان بدین ترتیب است که آنها با مواردی مانند «برای کسب شغل بهتر حاضر به ریسک کردن هستم حتی اگر از موقعیت فعلی خود راضی باشم»، «دانش آموختگان کشاورزی به دلیل تواناییهای کسب شده، توان مقابله با ریسکهای کار جدید را دارند»، «از پذیرش خطرهای کاری که در شرایط جدید به وجود می آیند لذت می برم» و «خوداشتغالی نوعی ریسک است و به نظر من ریسک نمک زندگی است» بیشترین موافقت دارند.

۴- عامل چهارم: نگرش مدیرگرا

ذهنیت یا نگرش این طبقه از دانشجویان بدین ترتیب است که آنها با مواردی مانند «دوست دارم در شغلم آقای خودم باشم»، «خوداشتغالی را به کار دولتی ترجیح می‌دهم»، «در خود اشتغالی دیگران برای شما تصمیم نمی‌گیرند»، «فرد خوداشتغال سرنوشت خود را به دست می‌گیرد»، «خوداشتغالی را دوست دارم چون کارها را همان‌گونه که دوست دارم می‌توانم انجام بدهم»، «دوست دارم در انجام کار آن‌طور که صلاح می‌دانم اقدام کنم و مهم نیست که مردم چگونه فکر می‌کنند» و «خوداشتغالی، خودتکایی مالی و معنوی را به دنبال دارد» بیش‌ترین موافقت دارند.

در تحلیل عاملی معمولی پژوهشگر با مراجعه به بارهای عاملی می‌تواند به تفسیر عاملها بپردازد اما در تحلیل عاملی کیو نمی‌توان مستقیماً از بارهای عاملی به این هدف رسید. زیرا بارهای عاملی رابطه مشارکت‌کنندگان را با عاملها نشان می‌دهند در حالی که تفسیر عاملها به محتوای عبارات (کارتها) وابسته است. بنابراین امتیاز عاملی^۱ عبارات پیوندی را بین محتوای عبارات و عاملها برقرار می‌کند و به این ترتیب امکان تفسیر عاملها فراهم می‌شود. امتیاز عاملی از میانگین وزنی امتیاز مشارکت‌کنندگان در هر عبارت به دست می‌آید که در نتیجه می‌تواند مقداری مثبت یا منفی و بیشتر یا کمتر از یک باشد. در SPSS با کلیک روی تب Scores می‌توان محاسبه امتیازهای عاملی را برای تک‌تک عبارات (کارتهای) کیو درخواست کرد. نتایج امتیازهای عاملی مربوط به ۲۵ کارت کیو در جدول (۲) گزارش شده است.

1. factor scores

جدول (۲) عامل‌های شناسایی شده و امتیازهای اختصاص داده شده به هر عامل در ذهنیتهای مختلف

رتبه	گزاره*	امتیازهای عاملی الگوی ذهنی اول**	امتیازهای عاملی الگوی ذهنی دوم	امتیازهای عاملی الگوی ذهنی سوم	امتیازهای عاملی الگوی ذهنی چهارم
۱	دوست دارم در شغلم آقای خودم باشم.	۰/۲۴	-۱/۹۱	-۱/۱۷	۰/۹۱
۲	برای کسب شغل بهتر حاضر به ریسک کردن هستم حتی اگر از موقعیت فعلی خود راضی باشم.	-۰/۸۱	-۰/۷۶	-۰/۴۵	-۱/۳۸
۳	از انجام کارهای جدید لذت می‌برم.	-۰/۷۰	۱/۳۶	-۰/۱۳	-۱/۲۴
۴	به نظر من خوداشتغالی لذت‌بخش و جذاب است.	۱/۵۷	۰/۵۲	-۱/۱۸	۰/۵۰
۵	خوداشتغالی باعث استقلال مالی می‌شود.	۰/۷۴	۰/۲۲	-۰/۶۳	۰/۲۱
۶	خوداشتغالی باعث بروز خلاقیتها می‌شود.	۰/۳۲	۰/۸۷	۰/۶۴	-۰/۵۵
۷	خوداشتغالی را به کار دولتی ترجیح می‌دهم.	-۱/۳۲	۰/۷۰	۱/۲۲	۱/۴۰
۸	دانش‌آموختگان کشاورزی به دلیل تواناییهای کسب شده، توان مقابله با ریسکهای کار جدید را دارند.	۰/۰۹	۰/۶۶	۰/۹۹	۰/۰۲
۹	دانش‌آموختگان کشاورزی باید بتوانند مسئولیت ایجاد شغل جدید و انجام خوداشتغالی را به عهده بگیرند.	۱/۵۶	-۰/۲۰	-۱/۰۱	-۲/۴۳

رتیف	گزاره*	امتیازهای عاملی الگوی ذهنی اول**	امتیازهای عاملی الگوی ذهنی دوم	امتیازهای عاملی الگوی ذهنی سوم	امتیازهای عاملی الگوی ذهنی چهارم
۱۰	از پذیرش خطرهای کاری که در شرایط جدید به وجود می‌آیند لذت می‌برم.	۱/۱۱	۱/۱۲	۱/۷۰	-۱/۱۸
۱۱	خوداشتغالی را دوست دارم چون نیاز به تفکر بیشتر و خلاقانه‌تر دارد.	-۰/۸۷	۰/۴۷	-۰/۱۸	-۰/۴۱
۱۲	در صورت داشتن تجهیزات و سرمایه مالی لازم، دوست دارم که خوداشتغالی داشته باشم.	۱/۵۴	-۱/۶۵	۰/۱۶	-۰/۶۳
۱۳	در خوداشتغالی فرد مسئولیت کارهای انجام داده را بهتر خواهد پذیرفت.	۱/۷۵	-۰/۲۰	۰/۷۱	-۰/۹۶
۱۴	به خوداشتغالی به‌عنوان یک شغل مهم و اثرگذار نگاه می‌کنم.	-۰/۴۰	۱/۱۷	۰/۳۲	-۱/۳۸
۱۵	در خوداشتغالی دیگران برای شما تصمیم نمی‌گیرند	۰/۵۲	۰/۷۳	۰/۳۴	۱/۰۶
۱۶	داشتن پشتکار در موفقیت خوداشتغالی بسیار مهم است	۱/۴۶	۰/۶۳	-۰/۷۳	۱/۳۲
۱۷	فرد خوداشتغال سرنوشت خود را به‌دست می‌گیرد	-۰/۸۶	-۰/۷۹	-۰/۷۰	-۰/۴۹
۱۸	خوداشتغالی را دوست دارم چون کارها را همان‌گونه که دوست دارم می‌توانم انجام بدهم	-۰/۳۰	-۰/۷۱	-۱/۴۵	۰/۳۶

رتبه	گزاره*	امتیازهای عاملی الگوی ذهنی اول**	امتیازهای عاملی الگوی دوم	امتیازهای عاملی الگوی سوم	امتیازهای عاملی الگوی چهارم
۱۹	خوداشتغالی نوعی ریسک است و به نظر من ریسک نمک زندگی است	-۰/۶۱	-۰/۲۵	۰/۲۸	-۱/۱۰
۲۰	دوست دارم در انجام کار آن‌طور که صلاح می‌دانم اقدام کنم و مهم نیست که مردم چطور فکر می‌کنند	-۱/۹۶	-۰/۷۸	-۰/۳۰	-۰/۱۷
۲۱	در کشور زمینه‌های خوداشتغالی وجود دارد بنابراین خوداشتغالی باید از سوی دانش‌آموختگان پذیرفته شود	-۰/۹۴	۰/۲۸	-۰/۳۹	-۰/۸۸
۲۲	خوداشتغالی، خوداتکایی مالی و معنوی را به دنبال دارد	۰/۴۳	۰/۱۱	-۱/۰۷	۱/۲۱
۲۳	تنبلی و ناتوانی و مسائلی از این دست مانع خوداشتغالی می‌شوند	۱/۰۹	۰/۲۹	۰/۴۲	-۱/۲۴
۲۴	من به خوداشتغالی و کارآفرینی در شرایط فعلی باور دارم	۰/۲۳	۱/۳۱	۰/۷۴	۰/۴۰
۲۵	در رشته کشاورزی بهتر می‌توان به خوداشتغالی پرداخت	۰/۶۶	۱/۶۶	۱/۳۷	-۲/۱۴

* statements

** منظور همان امتیاز عاملی (statements) هر ذهنیت ((subjectivity است

براساس جدول (۲) از آنجایی که امتیاز عاملی مربوط به هر یک از عبارات (کارتهای) کیو محاسبه شده است بنابراین امتیاز عاملی بیشتر در هر کدام از عاملها موجب می شود که عبارت مورد نظر جزء ذهنیت آن عامل در نظر گرفته شده و بدین ترتیب عاملها استخراج گردند. به عنوان مثال براساس این جدول، امتیاز عاملی عبارت اول (کارت اول) کیو در عامل چهارم بیشترین مقدار است، بنابراین این عبارت به عنوان ذهنیت در عامل چهارم دسته بندی می شود. لذا ذهنیت دانشجویان مدیرگرا (عامل ۴) این است که دوست دارند در شغل خود آقای خود باشند.

بحث

براساس یافته های تحقیق، جنسیت بر نگرش دانشجویان نسبت به خوداشتغالی مؤثر است و در این بین مردان با ۴۵/۵٪ پاسخ موافق، نگرش مثبت تری نسبت به خوداشتغالی دارند. مطالعه علی بیگی و زرافشانی (۱۳۸۶) یافته تحقیق حاضر را تأیید می کند و معتقدند که دانشجویان پسر بیشتر از دختران ریسک پذیر و استقلال طلب هستند. مطالعات در کشورهای توسعه یافته (بلنچ فلور، ۲۰۰۰) نیز این مسئله را تأیید می کند. اما خیلی از مطالعات مانند مطالعات صالحی عمران و رستمی (۱۳۸۶) و یارایی (۱۳۸۸) نیز نشان داده اند که بین جنسیت و روحیه و ویژگیهای کارآفرینی هیچ گونه ارتباطی وجود ندارد. حتی مطالعه هیوگز (۲۰۰۶) نشان داده که زنان به خاطر احتیاج و نیاز، گرایش بیشتری به خوداشتغالی دارند. این مسئله تا حدود زیادی به بافت اجتماعی - فرهنگی منطقه برمی گردد. در منطقه ای که به زنان کمتر بها داده می شود و حمایت های اقتصادی و فرهنگی در جهت خوداشتغالی از آنان به عمل نیاید ریسک پذیری و استقلال طلبی زنان نیز تحت تأثیر چنین شرایطی قرار می گیرد. حتی متأسفانه در برخی از جوامع این

حس عدم ریسک‌پذیری در خیلی از زنان جامعه نهادینه شده است. یافته‌های تحقیق همچنین نشان داد که بین وضعیت تأهل با نگرش نسبت به خوداشتغالی رابطه وجود دارد. براساس داده‌های به‌دست آمده افراد مجرد نگرش مثبت‌تر را نسبت به خوداشتغالی دارند. ۵/۵۱٪ دانشجویان مجرد با خوداشتغالی موافق هستند. این یافته دقیقاً برعکس مطالعه قوامی (۱۳۸۲) است، که معتقد است افراد متأهل بیشتر به خوداشتغالی می‌پردازند. در اینجا یک نکته ظریف وجود دارد و آن این است که مطالعه قوامی (۱۳۸۲) در بین روستانشینان و شهرنشینان انجام شده است و به نگرش افراد پرداخته نشده است. افراد متأهل هم چون به دنبال کسب درآمد هستند زمانی که نتوانند شغل دولتی را به‌دست بیاورند باید به خوداشتغالی بپردازند و این به معنی بررسی نگرش آنان نیست در حالی که در مطالعه حاضر نگرش دانشجویان که مفهوم ذهنی است مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد افراد مجرد ریسک‌پذیرتر هستند و از نظر ذهنی تمایل و نگرش مثبت‌تری نسبت به خوداشتغالی دارند.

میزان تحصیلات هم با نگرش نسبت به خوداشتغالی رابطه دارد. براساس یافته‌های تحقیق دانشجویان دکتری نسبت به دانشجویان کارشناسی ارشد تمایل بیشتری به خوداشتغالی دارند. این یافته نکته مثبتی را نشان می‌دهد و آن این است که سطح تحصیلات بیشتر دانشجویان را در شرایط واقعی‌تر قرار می‌دهد و آنها بیش از پیش با خوداشتغالی و اهمیت آن آشنا می‌شوند و با درک شرایط، نگرش مثبت‌تری نسبت به آن خواهند داشت. مطالعات قوامی (۱۳۸۲) دقیقاً برعکس یافته مطالعه حاضر را نشان می‌دهد و معتقد است که سطح تحصیلات پایین‌تر موجب خوداشتغالی بیشتر شده است. تفاوت در یافته‌ها به شرایط و بستر فرهنگی و شرایط افرادی برمی‌گردد که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

مطالعه حلاج و همکاران (۱۳۹۳) به نقل از ریردان در ایالات متحده و کانادا نشان می‌دهد که اکثر تحصیل کرده‌های عالی به سراغ خوداشتغالی رفته‌اند. همچنین بلنچ فلور (۲۰۰۰) نشان داده است که میزان تحصیلات با خوداشتغالی رابطه مثبت دارد. براساس یافته‌های تحقیق، نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی نسبت به خوداشتغالی در قالب چهار نگرش دسته‌بندی شده‌اند.

نگرش مسئولیت‌پذیر که در آن جذاب بودن خوداشتغالی، استقلال مالی، مسئولیت‌پذیری دانشجویان برای ایجاد یک شغل جدید از جمله مواردی است که به آن اشاره شده است. برداشت ذهنی از جذاب بودن کارآفرینی روی گرایش دانشجویان به کارآفرینی اثرگذار است. همچنین طبق مطالعات حسین پور و رضایی (۱۳۸۹) استقلال‌طلبی به‌عنوان یک عامل بسیار مهم در شکل‌گیری نگرش افراد نسبت به خوداشتغالی مؤثر است (رایبسون و همکاران، ۱۹۹۱؛ هزار جریبی، ۱۳۸۲؛ بدری و همکاران، ۱۳۸۵؛ موحدی و همکاران، ۱۳۹۳).

دومین نگرش در تحقیق حاضر، نگرش خلاق برخی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی بود. در نگرش خلاق ذهنیت یا نگرش این دانشجویان در لذت از انجام کارهای جدید، اهمیت خلاقیت و نیاز به خلاقیت و تفکر خلاقانه در خوداشتغالی قرار گرفته است. این دسته از دانشجویان معتقدند که خوداشتغالی شغل مهم و اثرگذار در جامعه است. مطالعات مختلف نیز نشان داده‌اند که خلاقیت و نوآوری اصل بسیار مهم در شکل‌گیری نگرش مثبت نسبت به خوداشتغالی است (رایبسون و همکاران، ۱۹۹۱؛ گرول و اتسان، ۲۰۰۶؛ هزار جریبی، ۱۳۸۲؛ بدری و همکاران، ۱۳۸۵؛ غفاری، ۱۳۸۷؛ موحدی و همکاران، ۱۳۹۳).

گروه سوم از دانشجویان ذهنیت یا نگرش ریسک‌پذیر دارند. آنها ریسک را نمک زندگی می‌دانند و حتی اگر از موقعیت فعلی خود راضی باشند باز به دنبال

ریسک کردن هستند و از انجام آن لذت می‌برند. تحمل ابهام و ریسک‌پذیری هم در مطالعات مختلف از عوامل مؤثر بر نگرش کارآفرینی افراد بوده است (گرول و اتسان، ۲۰۰۶؛ هزار جریبی، ۱۳۸۲؛ موحدی و همکاران، ۱۳۹۳). مطالعه بدری و همکاران (۱۳۸۵) نیز نشان داده است که علی‌رغم اهمیت ریسک‌پذیری روی نگرش کارآفرینی افراد؛ اما نمره ریسک‌پذیری دانشجویان کمتر از متوسط نمره معیار به‌دست آمده است و همین مسئله باعث شده که قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان کاهش پیدا کند.

آخرین گروه از دانشجویان نگرش مدیرگرا دارند. این دسته از دانشجویان ویژگی‌های خاص خود را دارند. به‌عنوان مثال معتقدند که کار خوداشتغالی از کار دولتی بهتر است و در خوداشتغالی دیگران برای شما تصمیم نمی‌گیرند و سرنوشت شما به‌دست خود شما است. بر این اساس خودتکایی و یا کنترل درونی روی نگرش نسبت به کارآفرینی و خوداشتغالی بسیار مؤثر است (بدری و همکاران، ۱۳۸۵؛ موحدی و همکاران، ۱۳۹۳).

در مجموع، هرچند اکثر مطالعات به‌منظور بررسی نگرش‌های کارآفرینانه از یک‌سری مقیاس‌های از پیش تعیین‌شده استفاده نموده‌اند اما به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران چنانچه در تحقیقات به دنبال دسته‌بندی افراد بر اساس ادراکات و نگرش‌هایشان باشیم، روش‌شناسی کیو می‌تواند روش مناسبی برای این منظور در نظر گرفته شود (براون، ۱۹۹۶). بنابراین، تحقیق حاضر با استفاده از روش کیو به دنبال بررسی نگرش دانشجویان نسبت به خوداشتغالی انجام شد. براساس یافته‌های تحقیق، ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان در ایجاد و شکل‌گیری مفهوم انتزاعی و بسیار مهم نگرش نسبت به خوداشتغالی مؤثر است و حتی می‌تواند

آینده آنها را تحت تأثیر این مفهوم ذهنی قرار دهد. بنابراین نتایج بیانگر آن است که شکل‌گیری قصد کارآفرینانه دانشجویان بیشتر مبتنی بر ملاحظات فردی است تا ملاحظات هنجاری و اجتماعی؛ به عبارت دیگر، تصمیم‌گیری در مورد حرفه آینده ممکن است برای فرد چنان اهمیتی داشته باشد که کمتر به عقاید و نظرهای دیگران در این زمینه اهمیت دهد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج مختلف تحقیق به منظور تقویت نگرشهای مثبت نسبت به خوداشتغالی در دانشجویان کشاورزی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- براساس نتایج تحقیق که بین جنسیت و نگرش نسبت به خوداشتغالی تفاوت وجود دارد و از آن جایی که مردان نگرش موافق‌تری نسبت به خوداشتغالی داشته‌اند، برگزاری کلاسها و کارگاههای آموزشی ویژه دانشجویان دختر و دعوت از زنان خوداشتغال موفق به منظور ایجاد نگرش مثبت در زنان برای انجام فعالیت کشاورزی می‌تواند در آینده شغلی دانشجویان دختر مؤثر باشد.

- برپایی گردشهای علمی و بازدید دانشجویان از فعالیتهای کشاورزی همچون پرورش انواع محصولات کشاورزی مانند قارچ، بوقلمون، واحدهای گلخانه‌ای، واحدهای دامی و غیره در عرصه روستایی می‌تواند آنها را با زمینه‌های خوداشتغالی در رشته تحصیلشان در آینده آشنا سازد.

- براساس یافته‌های تحقیق نگرش دانشجویان نسبت به خوداشتغالی متفاوت است و در دسته‌بندیهای مختلفی جای می‌گیرد، بنابراین باید با برگزاری کلاسها و کارگاههای آموزشی، به‌کارگیری روشهای حل مسئله و غیره هر کدام از دانشجویان را با نگرش خود نسبت به خوداشتغالی آشنا کرد و در جهت تقویت

سایر ابعاد نگرشی در دانشجویان اقدام نمود. بنابراین پای‌بندی و آشنایی اساتید با ویژگیها و روشهای تدریس مبتنی بر گسترش خوداشتغالی می‌تواند در بهبود نگرش دانشجویان نسبت به خوداشتغالی مؤثر باشد.

- حمایت‌های مالی و آموزشی برای تشکیل تعاونیهای دانشجویی در جهت برپایی واحدهای تولیدی مختلف در سطح دانشگاه می‌تواند شرایط مناسبی را برای آموزش دانشجویان فراهم سازد و ضمن کسب مهارت‌های جدید و عملی نگرش دانشجویان را نسبت به خوداشتغالی در آینده مثبت و مؤثر بسازد.

- شناسایی و حمایت از دانشجویان خوداشتغال و تشویق آنها می‌تواند روی روحیه خوداشتغالی سایر دانشجویان و ترویج و گسترش فرهنگ خوداشتغالی در بین دانشجویان در آینده مؤثر باشد.

- احمدپور داریانی، م. (۱۳۸۱). *کارآفرینی: تعاریف، نظریات، الگوها*. تهران: انتشارات پردیس.
- استادزاده، ز. (۱۳۸۲). کارآفرینی، توسعه و اشتغال. *نشریه رهیافت*، ۲۹، ۷۱-۷۹.
- امیری، ع. ن. و مرادی، ی. (۱۳۸۷). نگرشهای کارآفرینانه دانشجویان و موانع آن. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۱۴ (۳)، ۴۵-۶۸.
- بدری، ا.، لیاقتدار، م. ج.، عابدی، م. ر. و جعفری، ا. (۱۳۸۵). بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۱۲ (۲)، ۷۳-۸۱.
- بهنر، ج. و وانگ، م. (۱۳۸۴). *نگرشها و تغییر آنها* (ترجمه ع. مهداد). تهران: انتشارات جنگل.
- حسین پور، ا. و رضایی، م. (۱۳۸۹). بررسی گرایش دانشجویان کشاورزی به کارآفرینی. *مجله توسعه کارآفرینی*، ۳ (۱۰)، ۱۳۵-۱۵۳.
- حسینی، س. م.، حسینی، س. ج. ف. و سلیمانپور، م. ر. (۱۳۸۹). شناسایی و تحلیل موانع کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد. *فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۴۱ و ۴۲ (۳)، ۳۵۹-۳۶۸.
- حلاج، ز.، غیائی، ع. ر. و اسفرقی، س. (۱۳۹۳). بررسی نگرش دانشجویان دختر نسبت به خوداشتغالی و موانع آن (مطالعه موردی: دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی زابل). *پنجمین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی ایران*، دانشگاه زنجان، ۱۳-۱۱ شهریور، ۹-۱.
- خوشگویان فرد، ع. (۱۳۸۸). *روش شناسی کیو*. تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- شفیعی، ف.، رضوانفر، ا.، حسینی، س. م. و سرمدیان، ف. (۱۳۸۷). عوامل ارتباطی تأثیرگذار بر نگرش کشاورزان نسبت به کارگیری عملیات حفاظت خاک (مطالعه موردی: حوزه آبخیز کرخه و دز). *مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی*، ۱۵ (۶)، ۲۲۰-۲۳۳.
- صالحی عمران، ا. و رستمی، ف. (۱۳۸۶). آموزش عالی و پرورش روحیه کارآفرینی در دانشجویان «مورد بررسی: دانشگاه مازندران». *مجموعه مقالات همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی (گذشته، حال، آینده)*، دانشگاه علوم انسانی، دانشگاه سمنان، دسترسی از: <http://rasekhoon.net/forum/thread/554435/page1>.
- عزیزی، ب. و حسینی، س. م. (۱۳۸۵). نقش آموزش و توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی، *مجله جهاد*، ۲۷۴، ۱۶۵-۱۸۲.
- علی بیگی، ا. ح. و زرافشانی، ک. (۱۳۸۶). آیا دانشجویان دانشگاه رازی کارآفرین

- خواهند شد؟ مجموعه مقالات همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی (گذشته، حال، آینده)، دانشگاه علوم انسانی، دانشگاه سمنان. دسترسی از: <http://rasekhoon.net/forum/thread/554435/page1>.
- غفاری، ه. (۱۳۸۷). بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه پیام نور اراک. همایش ملی توسعه کارآفرینی در آموزش‌های علمی کاربردی کشاورزی، ۱۷.
- قوامی، ه. (۱۳۸۲). بررسی خوداشتغالی در مقایسه با اشتغال دستمزدی. *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۳۸(۲)، ۱۵۱-۱۷۲.
- کریمی، س. (۱۳۹۴). بررسی آثار مستقیم، غیرمستقیم و تعدیلی محیط نهادی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی. *توسعه کارآفرینی*، ۸(۲)، ۳۷۱-۳۹۰.
- موحدی، ر. و چرختابیان، ط. (۱۳۹۲). تحلیل زمینه‌های خوداشتغالی و اشتغال زایی دروس تخصصی رشته ترویج و آموزش کشاورزی. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، ۹(۲)، ۱۴۵-۱۶۵.
- موحدی، ر.، لطیفی، س. و زلیخایی سپار، ل. (۱۳۹۳). عامل‌های مؤثر بر نگرش دانشجویان مرکز آموزش علمی کاربردی جهاد کشاورزی همدان نسبت به خوداشتغالی. *فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، ۲۹، ۳-۱۱.
- میرزاحمدی، م. ح.، امیری، م. و پورطهماسی، س. (۱۳۸۷). بررسی موانع توسعه کارآفرینی در دانشگاه شاهد از نظر اعضای هیئت علمی در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷. *نامه آموزش عالی*، ۱(۴)، ۳۳-۵۰.
- هزارجریبی، ج. (۱۳۸۲). توسعه کارآفرینی و دانش‌آموختگان. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۹(۴)، ۱۵۹-۱۷۶.
- یارایی، ع. ر. (۱۳۸۸). بررسی برخی روحیات کارآفرینی در بین دانشجویان و مقایسه آن با مدیران صنایع. پایان نامه منتشر نشده، دانشگاه شیراز، شیراز.
- Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50, 179- 211.
- Barry, J. & Proops, J. (1999). Seeking sustainability discourses with Q methodology. *Ecological Economics*, 28, 337- 345.
- Blanchflower, D. G. (2000). Self-employment in OECD countries. *Labour Econ*, 7, 471-505.
- Brown, S. R. (1996). Q methodology and Qualitative research. *Qualitative Health Research*, 6 (4), 561-567.
- Caliendo, M., Fossen, F. M. & Kritikos, A. S. (2011). Personality char-

acteristics and the decision to become and stay self-employed. *DIW Berlin Discussion Paper*, No. 1113.

- Carr, J. C. & Sequeira, J. M. (2007). Prior family business exposure as international influence and entrepreneurial intent: a theory of planned behavior approach. *Journal of Business Research*, 60, 1090-1098.

- Donner, J. C. (2001). Using Q sorts in participatory processes: an introduction to the methodology. *Social Development Papers*, 36, 24- 49.

- Gurol, A., Altinary, L. & Daniele, R. (2010). Tourism students entrepreneurial intention, *Annals of Tourism Research*, 37(3), 646-669.

- Gurol, Y. & Atsan, N. (2006). Entrepreneurial characteristics amongst University students: some insights for entrepreneurship education and training in Turkey. *Education and Training*, 48(1), 25-38.

- Hughes, K. (2006). Exploring motivation and success among Canadian women. *Entrepreneurs*, 19, (2), 107-120.

- Krueger, N. J., Reilly, M. D. & Carsrud, A. L. (2000). Competing models of entrepreneurial intentions. *Journal of Business Venturing*, 15, 411-432.

- Mcstay, D. (2008). *An Investigation of undergraduate student self-employment intention and the impact of entrepreneurship education and previous entrepreneurial experience*, Unpublished dissertation, School of Business Bond University, Australia.

- Robinson, P. B., Stimpson, D. V., Huefner, J. C. & Hunt, H. K. (1991). An attitude approach to the prediction of entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 15(4),13-31.

- Taylor, Sh. E., Peplau, L. A. & Sears, D. O. (2003). *Social Psychology*. New Jersey: Pearson education, Upper Saddle River.